قبول نمیکند پس وجود حق سبحانه و تعالی ظاهر است
نزد هر عاقلی ولیکن میباید خداوند خود را منزه داند
و انکه شبیه بمخلوقی از مخلوقات باشد پس بدانکه جسم
نیست مانند هوا و نور و بزرگی و کوچکی و رنگ و بو و مزه
ندارد و بدیدن و شنیدن و بوییدن و چشیدن
و لمس کردن احساس او نمیتوان نمود و مکان ندارد
و عرش و کرسی نیست با انکه همه جا هست در هیچ جا
نیست باین معنی که علم و قدرتش همه چیز را احاطه کرده است
ولیکن عقل بکنه ذات او نمیتواند کرد بمثل که کور مادر
مادرزاد را علم بسرخ و سبز و زرد میباشد اما تصور
رنگها نمیتواند کرد و هرچه تصور کند غلط کرده است دیگر

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: ترجمة الصلوة ناقص الاول

مؤلف متن: علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی — محشی:

شارح: — مترجم:

تاریخ تحریر: ۱۲۶۸ — نوع خط: نسخ — تعداد سطر: ۱۲

موضوع: فقه — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۴۰

طول: ۱۴/۸ — عرض: ۱۰/۵ — شمارهٔ عمومی: ۳۲۸۳۹

وقفی / خریداری: خریداری آستان قدس رضوی

تاریخ وقف: ۱۳۸۵/۱۰/۲ — نام کاتب: ابن محمد حسین خاجوئی

ملاحظات: کاغذ نخودی ترنمه عناوین به شنگرف اول

ضمیمه دارد

بدانکه حق سبحانه وتعالی قادر است ومختار است وبقدرت
کامله خود اشیا را از عدم بوجود آورده است وعالم است
همه اشیا وهمه نزد او ظاهر است ودر ازل الازل علم داشت
بجمیع آنچه در ابد الآباد آفریده است وهر چه را اراده کند
که موجود شود بمجرد اراده موجود میشود وچون آدمی فکر
کند در هر ذره از ذرات کاینات بر او ظاهر میشود
که خداوندی دارد که آنرا ایجاد کرده است وآدمی نبود راه
نمیدهد که کاری عبث بکند یقین که هیچ نخواهد
کرد که خداوند که قدرتش کامل است وعلمش لایزالست
کاری که بد یا عبث باشد نکند وهر چه کرده است ومیکند
همه عین مصلحت بنده کانست دیگر خود فرموده است

۲

که من همه خلایق را آفریدم که بندگی کنند مرا مراد نه آنست
که محتاج ببندگی ایشان باشم بلکه میخواهم که بندگی
کنند مرا تا قابل ثوابهای غیر متناهی من شوند وچون میان
بندگان وخداوند ایشان تفاوت عظیم بود وهر کس قابل
یافت مراد الهی نشوند جمعی از ایشان را قابل رسالت
کردانید وبجمیع کمالات موصوف ساخت وایشانرا بخلایق
فرستاد وهر یک از ایشانرا معجزات کرامت فرمود تا بر
خلایق ظاهر شود که ایشان از جانب او بخلق آمده اند
از آنجمله پیغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه وآله را فرستاد
وزیاده از هزار معجزات باو کرامت فرموده بلکه هر معجزه
که هر پیغمبری داده بود همه را بانحضرت کرامت فرموده واز جمله
خصایص انحضرتست که معجزه انحضرت تا قیام قیامت

باقی خواهد بود بخلاف سایر انبیا که معجزهٔ ایشان مخصوص
زمان حیات ایشان بود و بس و آن قرآنست که جمیع
عرب را فرمود که مثل قرآن بیاورند و نتوانستند و عاجز
شدند و باز فرمود که ده سوره بیاورند و نتوانستند
و باز فرمود که مانند یک سورهٔ صغیر بیاورند و نیاوردند
و همه اعتراف نمودند بعجز و هر که تعصب نورزید بشرف
اسلام مشرف شد و اعجاز قرآن از وجوه بسیار است
اول از جهة فصاحت و بلاغت که در اعلی مرتبه است دویم
از جهة نظم و اسلوبی که نشنیده بودند مثل آنرا
سیم از جهة احاطه جمیع علوم اولین و آخرین
چنانچه زیاده از هزار سال است که چندین هزار عالم
و فاضل در آن غور مینمایند و استنباط علوم میکنند
ونقطه

ونقطهٔ از آن دریا نرسیده‌اند و هرچه بیشتر فکر کنند
بیشتر ظاهر میشود با آنکه آنحضرت نزد عالمی تردد نکرده
بود بلکه در میان عرب خصوصاً در مکهٔ معظمه عالمی نبود
مع هذا خبر میداد از جمیع کتب پیغمبران و از جمیع احوال ایشان
چهارم آنکه هر کتابی و حکایتی که دو بار خوانند بار سیم
نمیتوانند خواند و شنید بخلاف قرآن که اگر صد هزار
مرتبه خوانده شود رغبت زیاده میشود پنجم آنست که در
قرآن مجید حق سبحانه و تعالی خبر از آینده بسیار داده است
که همه واقع شده و بسیاری دیگر خبر داده که واقع خواهد شد
ششم آنکه شفای همه دردهاست و دافع و رافع همه
بلاهاست هر آیتی که از جهة هر مطلوبی از روی اخلاص
بخوانند البته آن حاجت روا میشود و بیان اعجاز و معجزات

که مشتملست قرآن مجید بر آنها حصر عنوان نمود
و همچنین معجزات که بر دست حضرت امیر المؤمنین و حضرات
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ظاهر شده است
چنانکه دلیل حقیقت امامت ایشان دلیل نبوت
آنحضرتست زیرا که آنجماعت با این معجزات همه دلیل
وجود واجب الوجود نیز هست چنانکه جمیع پیغمبران که
معجزات مینمودند خلق میگفتند که اگر خدا نمیبود
ایشان کی قدرت بر این امور پیدا شند و باید که اعتقا
کند که بعد از حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین علی ابن
ابیطالب خلیفه و جانشین آنحضرتست و اطاعت
او بر همه خلق واجبست و بعد از او امام حسن و بعد
از او امام حسین و بعد از او امام زین العابدین علی بن
حسین

حسین و بعد از او امام محمد باقر و بعد از او امام جعفر
صادق و بعد از او امام موسی کاظم و بعد از او امام علی
بن موسی الرضا و بعد از او امام محمد تقی و بعد از او امام علی
النقی و بعد از او امام حسن عسکری و بعد از او حضرت صاحب
الزمان که امام این زمانست و غایبست و ظاهر خواهد شد
و عالم را از عدالت خواهد کرد و همه کافران و مخالفان
را بدین خود در خواهد آورد و چون حضرت رسالت پناه
از حج وداع نمودند و بغدیر خم رسیدند امر الهی رسید
که آنحضرت علی بن ابیطالب را وصی خود و جانشین
نمایند و بعد از آن حضرت یازده معصوم دیگر را
فرمودند که خلیفه و جانشین من خواهند بود بترتیب
و امام دوازدهم غایب خواهد و عالم را از عدل

خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم وجور شده باشد ودیگر
میباید که اعتقاد کند بآنکه هرچه خاتم پیغمبران فرموده است
حقست واز انجمله آنست که حضرت مهدی صلوات الله
علیه ظاهر خواهد شد دشمنان ایشانرا زنده خواهد
کرد وبسیاری از خاص شیعه نیز زنده خواهند شد
وشیعیان داد خودرا از دشمنان ایشان خواهند ستد
چنانکه حق سبحانه وتعالی در قرآن مجید خبر داده است
از آن یا سایر اخباری که حق سبحانه وتعالی خبر داده است
وباید اعتقاد کند که سؤال قبر وعذاب وثواب قبر
حق است وجمیع مردگان زنده خواهند شد وبجزای
عمل خود خواهند رسید وبهشت حقست ودوزخ
حقست وچون بنده بالغ وعاقل باشد وخواهد
که نماز

که نماز کند پس اگر جنب شده باشد وبوقت نماز داخل
شده باشد غسل جنابت میکند وچنین نیت کند که غسل
جنابت میکنم از جهة مباح بودن نماز وباقی چیزهائی دیگر
که بسبب آن مباح میشود واجب تقرباً بخدا واگر قصد طاعة
خدا بکند کافیست یعنی قصد میکند که حق سبحانه وتعالی
فرموده است اطاعت امر او میکنم واگر پیش از دخول
وقت باشد قصد قربت میکند وبس وقصد واجب
وسنت نمیکند واگر قصد مباح بودن نماز مطلق کند
هر نمازی که خواهد تواند کرد بهتر است وهمچنین
اگر وضو نداشته باشد وضو بسازد واگر وقت داخل
شده باشد بقصد وجوب واگر پیش از وقت باشد
بقصد قربت وهمچنین اگر زنی حائض یا نفاس

باشد و پاک شده باشد از خون غسل حیض و نفاس را
میکند پس اگر بعد از دخول وقت باشد بقصد وجوب
غسل میکند و اگر پیش از دخول وقت باشد بقصد قربت
میکند اگر نمازی در ذمهٔ ایشان باشد غسل و وضو را
بقصد نماز قضا واقع میسازد بقصد وجوب و اگر علم
بقضا نداشته باشد چنانکه گفتیم نیت میکند که غسل
میکنم بجهت رفع حدث و مباح شدن نماز و هرچند که غسل
مباح میشود قربةً الی الله و چون اراده نماید که غسل
کند آب بر سر بریزد تمام سر و گردن را بشوید و ازاله
نجاست بکند و اگر موی داشته باشد آب بزیر موها برساند
و اگر گوشش سوراخ داشته باشد احوط آنست
که آب بسوراخ گوش برساند و چرنبت که سوراخ

بهم

بهم نمیآید هرچند مدتها شده باشد و آب بند موی
البته باید برساند و مشهور آنست که شستن موی در کار
نیست و اگر بشوید احوط است و بهتر آنست که زنان
موهای بافته را بگشایند خصوصاً در غسل حیض
و نفاس و چون از شستن سر و گردن فارغ شود
بدن را میشوید و احوط آنست که اول جانب راست
بشوید و بعد از آن جانب چپ را و بعد از غسل جنابت
احتیاج بوضو نیست و بعد از غسل حیض و نفاس
و مس میت نیز در کار نیست و غسل کافی نیست و اگر
وضو احتیاطاً پیش از غسل واقع سازد بهتر است
اما بقصد قربت و اگر بعد از نیت آب فرو برود
کافیست و این غسل را ارتماسی میگویند و اگر روزه

باشد باید غسل را ارتماسی میگویند واگر روزه باشد
باید غسل ترتیبی بعمل آورد وسر در آب فرو نبرد وبهر حال غسل
ترتیبی بهتر است واگر در حمام یا غیر آن در میان آب باشد باید اوّل
سر وگردن را بشوید وانچه از بدنش بیرون آب باشد بشوید وانچه
اندرون آب باشد قصد شستن آن بکند وحرکت بدهد وبعد
بمالد که آب بجانب راست همه جا برسد وبعد از آن جانب
چپ را بهمین طور بشوید خوبست واگر در شستن هر طرف پا را
از آب بیرون آورد وآب بریزد یا داخل بکند یا حرکت دهد
بهتر است واگر در غسل ارتماسی بدن را اوّل پاک سازد
وتخته را آب کشد وبالای تخته رود ونیت کند وهمواره
داخل آب شود بهتر است ووسواس از شیطانست در
نیت وطهارت ونیت امریست که همه کس دارد وچون
وضو

وضو بسازد ونیت کند وشرط آنست که آب از جانب بالای
رو از رستنگاه مو بریزد ومقداری از رو را بشوید که انگشت
مهین ومیانین بر آن بگردد وما بقی را بقدر احتیاط میشوید
واگر ریش او کثیف باشد که زیر مویها پیدا نباشد روی مو را
بشوید واگر ریش تنک باشد ومانند مو جدا باشد آب
همه جا برساند واگر بعضی پیدا باشد وبعضی نباشد احتیاطاً
آب همه جا برساند بعنوان جریان بشوید وبعد از آن
دست راست را بشوید وابتدا از مرفق کند تا سر انگشتان
ومرد اوّل آب را بر پشت دست بریزد وزن آب را بر شکم
دست بریزد ودست را از بالا بپائین آورد وبهتر آنست
که دست را بپائین بکشد وبر دارد وباز از بالا بپائین
بیاورد تا آب همه جای دست جاری شود وسر دست را بشوید

هرچند تر باشد واحوط آنست که آب تر ناخنها برساند
واگر ناخنها بلند باشد بگیرد وچرك آن را بیرون آورد
و پیش از وضو بعمل آورد و بعد از آن دست چپ را بشوید
میشوید و بعد از آن مسح پیش سر را میکند و بهتر
آنست که اقلا مقدار سه انگشت بکشد و بهتر آنست که
بدست راست بکشد و آنمقدار آب بر دست نمانده باشد
که اندازه غسل بعمل آید و چون خواهد مسح سر کند آب
دست را بیفشاند که کمتر شود و از بالای سر بپایین بکشد
و بهتر آنست که دست بتری پیش سر بزند و بهتر
آنست که بدست راست مسح پای راست را بکشد و بدست
چپ پای چپ را مسح کند از آبی که از وضو مانده باشد
و آب تازه برندارد واحوط آنست که بجمیع کف دست

پاها

پاها را مسح کند و اول پای راست را مسح کند و بعد
پای چپ را و سنت است که اول دستها را تا بند دست
یکمرتبه بشوید که وضو از خواب یا بول باشد دو مرتبه
بشوید اگر از حدث یا غایط باشد سه مرتبه بشوید مستحب
که دعاها را بخواند باین نحو که چون خواهد آب وضو را
بردارد و دست را بشوید این دعا بخواند بسم الله وبالله
والحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا
یعنی وضو میسازم بیاری نام خدا و ذات مقدس او وحمد
میکنم خداوندی که آب را پاک کننده گردانیده است
ونجس نکردانیده است و بعد از مضمضه بخواند اللهم
لقنی حجتی یوم القاك واطلق لسانی بذکرك

وشکرک واجعلنی ممن ترضی عنه یعنی خداوندا تلقین
نما مرا حجت مرا در روزی که ملاقات مینمایم تو را یعنی ملائکه
خواهند از من سؤال مینمایند اعتقادات مرا و در قبر وگویا
گردان زبان مرا بیاد خود و شکر خود و بگردان مرا از آنها
که خوشنود کرده‌ای از ایشان و بعد از استنشاق بگوید که اللهم
لا تحرم علی ریح الجنة واجعلنی ممن یشم ریحها وروحها
وریحانها وطیبها یعنی خداوندا حرام مگردان بر من
بوی بهشت را و بگردان مرا از آنها که میشنوند بوی آن را
ونسیم گلهای آن را و بوی خوش آن را وبهتر آنست که مضمضه
واستنشاق را سه مرتبه بکند و چون آب بر رو ریزد بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم وبعد از شستن رو یا در اثنای آن

بگوید

بگوید اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه
ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه یعنی خداوندا
سفید و نورانی گردان روی مرا در روزی که سیاه میگردد
در آن روز بعضی از روها سیاه و تیره مگردان روی مرا
در روزی که سفید میگردد در آن بعضی از روها یعنی
روز قیامت و چون دست راست بشوید بگوید اللهم
اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری
وحاسبنی حسابا یسیرا یعنی خداوندا بده بمن در
قیامت نامه مرا بدست راست من و نامه خلد بودن
در بهشت را بدست چپ من وحساب کن مرا حساب

آسمان وچون دست چپ را بشوید بگوید اللّهمّ لا تعطنی
کتابی بشمالی ولا من وراء ظهری ولا تجعلها مغلولة
الی عنقی من ورائه واعوذ بک من مقطّعات النیران
یعنی خداوندا مده بمن در قیامت نامه را بدست چپ من ونه
از پشت سر من ومگردان دست مرا غل کرده بسوی گردن
من وپناه میبرم بسوی تو از جامهائی که در جهنم بر کافران
میبرند از آتش وچون مسح سر کند بگوید اللّهمّ غشّنی برحمتک
وبرکاتک وعفوک یعنی خداوندا فرو گیر از سرتا پای
مرا برحمت اخروی وبرکتهای دنیوی وآمرزش خود وچون
مسح پاها کند بگوید اللّهمّ ثبّت قدمی علی الصّراط یوم

تزل

تزلّ فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنّی
یا ذا الجلال والاکرام یعنی خداوندا ثابت گردان دو
قدم مرا در قیامت بر صراط در روزی که میلغزد
در آن قدمهای کافران وعاصیان وبگردان سعی
مرا ورضا را مرا در آنچه باعث خوشنودی تو میگردد
از من وچون متوجّه نماز شود اذان واقامه بگوید ودر
اذان چهار مرتبه الله اکبر بگوید یعنی خدا از آن بزرگتر است
که عقلها باو تواند رسید ودو مرتبه اشهد ان لا اله
الّا الله یعنی گواهی میدهم که معبودی نیست سزاوار
پرستیدن بجز معبود یکتای بحق که متّصف است
بجمیع صفات کمال ودو مرتبه اشهد انّ محمّدا رسول الله
یعنی گواهی میدهم که محمّد پیغمبر وفرستاده خدا ست

و دو مرتبه حی علی الصلوة یعنی بشتابید بسوی نماز
و دو مرتبه حی علی الفلاح یعنی بشتابید بسوی چیزی
که موجب رستگاری آخرتست و دو مرتبه حی علی خیر
العمل یعنی بشتابید بسوی عملی که بهترین عملهاست
که آن نمازست و دو مرتبه الله اکبر و دو مرتبه لا اله
الا الله اذان در دو مرتبه قد قامت الصلوة بعد از
حی علی خیر العمل میگوید و بجای آن فقره که در آخر اقامتست
دو مرتبه لا اله الا الله بگوید خوبست و سنتست
در میان اذان و اقامت سجده رود و بگوید لا اله
الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا و اگر
ایستاده الحمد لله بگوید مجزیست و در زنان اذان
و اقامت انقدر تاکید ندارد که در مردان و اگر اینان

اکتفا

اکتفا بچهار مرتبه الله اکبر و دو مرتبه اشهد ان لا اله
الا الله و دو مرتبه اشهد ان محمدا رسول الله میتوانند
کرد و اگر هر را یک مرتبه بگویند نیز ظاهرا کافی باشد
و اگر تنها و نیز تنهائی و الله اکبر اکتفا کنند مجزیست
و اذان و اقامت را تمام نمی میتوانند گفت بشرطی
که نامحرم صدای ایشان نشنود و اگر بعد از شهادتین
بگویند یا دو مرتبه اشهد ان علیا ولی الله بقصد تبرک
و نه اینکه بقصد آنکه جزو اذانست بد نیست یعنی گناه
میدهند که علی ولی خدا و ثبت اختیار امور خلایقست
و گفتن محمد و علی خیر البشر داخل اذان نیست و در میان
اذان و اقامت ابتدا سنتست اللهم اجعل قلبی
بارا و عیشی قارا و رزقی دارا و عملی سارا و اولادی

ابرارًا وَاجعَلنی عِندَ قبرِ نبیِّکَ محمّدٍ صلّی الله علیهِ وآله
مستقرًّا وقرارًا برحمتک یا ارحم الرّاحمین یعنی خداوندا
بگردان دلم را بنیکوئی کننده و زنده گانی مرا در عیش
و شادمانی گذراننده و روزی مرا بسیار ریزنده
و بگردان او برمن نزد قبر محمّد صلّی الله علیه وآله
محلّ قرار حیات و بعد از مرگ و مرد را سنّتست که چون
بنماز بایستد پاهای خود را بقدر یک شبر از یکدیگر
دور گذارد و تا چهار انگشت گشاده نیز خوبست و باید
برابر یکدیگر باشند و انگشتان پاها رو بقبله باشد
و منحرف نباشد و دستها آویزان بود بر رانها بگذارد
برابر زانوها و انگشتان باز باشند و بیکدیگر
چسبیده نباشد پس هفت نوبت الله اکبر بگوید
ثمّ

شود نقصی بسنّت بجا آورد باینکه اوّل مرتبه
بگوید الله اکبر و در هر تکبیری هر دو دست را بردارد تا نرمهٔ
گوش و کف دست بقبله باشد و بعد از آن این دعا
بخواند اللّهمّ انتَ الملِکُ الحقُّ المبینُ لا اله الّا انتَ
سبحانکَ وبحمدک عملتُ سوءً وظلمتُ نفسی فاغفر لی
ذنبی انّه لا یغفر الذّنوب الّا انتَ یعنی بار خدایا توئی
پادشاه ثابت و دائم نیست معبودی بجز تو پاکت ستایم
و منزّه میشمارم ترا از هر چه لایق جلال ذات و کمال
صفات تو نیست و ترا حمد و شکر میکنم بد کرده ام
و ستم بر نفس خود کرده ام پس بیامرز از برای من گنا
مرا بدرستی که نمی آمرزد گناهان را بغیر از تو پس
دو مرتبه بگوید الله اکبر و بگوید لبّیک و سعدیک

والخير في يديك والشر ليس إليك والمهدي من هديت
عبدك وابن عبديك ذليل بين يديك منك
وبك ولك وإليك لا ملجأ ولا منجا ولا مفر منك
إلا إليك سبحانك ربنا ورب البيت الحرام يعني ميايستم
بخدمت تو ايستادنى بعد از ايستادن همشه يعنى
بخدمت تو ايستاده‌ام يا آنكه چون مرا بنماز طلبيده
آنكه اجابت تو كرده‌ام ولبيك گويان در خدمت تو ايستاده‌ام
ويارى ميكنم ترا يارى كردنى بعد از يارى
كردنى يعنى ميپرستم ترا وميخواهم تو ام ونيكيهاى
دنيا وآخرت همه در دست قدرت ورحمت تو است وبد از تو
نيست وپيش تو راهى ندارد هدايت يافته كسيست
كه تو او را هدايت كرده بنده توام وكمترين بنده زاده

توام

توام كه در خدمت تو ايستاده‌ام از تو است ابتداى وجود
من وبتو است بقا ويابد من واز براى تو است
كارهاى من وپيش تو است بازگشت من نيست پناه
واميدگاهى وگريزگاهى از تو مگر تو پاك ومنزه ميدانم
ساحت كبرياى ترا از غبار هر چه ترا نسزد وثنا
وحال آنكه سؤال ميكنم از رحمت ومهربانيت ميرسند
ودايم ميدهٔ جميع بركتها توئى در دنيا وعقبى وبلند
ترى از ادراك عقلها ووهمها مقدس ومنزه
اى بهتر در كار خانه كعبه ورو بكعبه آورده لم نوبود
نويس يكم بعد تكبير بگويد پس نيت كند كه نماز
صبح ميكنم ادا از جهه آنكه واجبست قربة الى الله
وهمين كه در خاطرش باشد نيت است پس بگويد

الله اکبر تکبیر احرام را ببندد وبخواند وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض ملة ابراهیم خلیل الله ودین محمد
رسول الله ومنهاج علی صلوات الله علیه حنیفا
مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی ونسکی
ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له
وبذلک امرت وانا من المسلمین یعنی رو کردم و دل
خود را گردانیدم بسوی آنکسی که پدید آورده و بمحض
کمال قدرت بیافرید آسمانها و زمینها را در حالتی که
بر ملت پاکیزه ابراهیمم و دین حق محمد صلی الله
علیه وآله و طریق مستقیم علی در اصول و فروع دین
ثابت و راسخم و مایلم از شرک و ادیان باطله بسوی
توحید و دین حق رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام

ومعتقدم

ومعتقدم جمیع اوامر ونواهی ایشانرا و بیزارم از شرک
آوردن بخدا نه بشرک جلی مانند بت پرستی و نه بشرک
خفی مانند ریا ومتابعت وموالات غیر ائمه
هدی بدرستیکه نماز من ونسک من یعنی قربانی
من یا حج من یا همه عبادتهای من و زنده گانی
من و مردن من یا انچه بر آنم در زندگی من و انچه بر من
میرسد بعد از مردن من خالص است از برای خداوندی
که پروردگار جهانیانست نیست او را شریکی
و انبازی در خلق عالم و در معبودیت و استحقاق
عبادت یعنی در عبادت کبریا با او شریک نمیکنم
و باین مأمور شده ام از جانب خدا که او را بیگانه
بپرستم و من از جمله مطیعان و فرمانبردارانم

واین کلمات فی الحقیقة ثنیت نمازست وعمده انچه در همه
عبارات معتبرست همین اخلاص است که درین فقرات
مذکورست پس بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من
الشیطان الرجیم یعنی پناه میبرم والتجا میبرم بمعبود
بحق وخداوند مطلق که شنواست جمیع گفتهای
خلایق را ودانا ست جمیع معلوماترا خصوصا
اعمال دنیا تا آنکه ما را از شر و وسوسه دیو فریبنده
سرکش رانده ورمانده از رحمت حق ورجیم است یعنی سنگسار
کردند او را ملائکه چون از آسمان راندند یا بتیر
شهاب یا بلعنت خدا وخلق مرجوم است پس سوره
حمد را بخواند از روی وجوب ویکسوره تمام بعد
از حمد بخواند بقصد قربت وجوب قرائت سوره تا آخر
در نماز

18

در نماز واجبست وبهترین سورها در اکثر نمازها
بعد از سوره قل هو الله احد وسوره انا انزلناه است
بعد از آن بر سبیل اجمال مناسبست بسم الله الرحمن الرحیم
استعانت میجویم بنام خداوندی که سزاوار پرستش است
ومستجمع جمیع صفات کمالست ورحمانست برحمتهای
خواص نسبت بمومنان در دنیا وآخرت الحمد لله
رب العالمین جمیع ستایشها مخصوص خداوندیست
که آفریننده وترتیب کننده جمیع عالمیانست الرحمن
الرحیم تاکید بسمله است یا در آنجا مراد رحمانیت
ورحیمیت دنیاست ودر اینجا رحمانیت ورحیمیت
آخرتست که بار دیگر ایشانرا حیات می بخشد
ومومنانرا از آتش دور و داخل بهشت میگرداند

مالك يوم الدين يعني جزا دهنده روز جزا وجمعي
از قراء ملك خوانده اند بدون الف وبفتح ميم
وكسر لام يعني پادشاه روز جزا هر دو جايز است
وچون اكثر روايات دلالت بر مالك ميكند شايد
اختيار آن اولى باشد وچون بسبب استعاذه از
شيطان رجيم واستعانت از خداوند رحيم وتذكر
صفات كماليه رب العالمين واقرار بيوم الدين
امر اعبد انه غايب بعد في الجمله قربي وبعد از ذهاب
هجران اندك وصلى هم رسيد از مقام غيبت گويا
بمجلس انس وحضور رسيد بعنوان مخاطبه سخن
ميگويد كه اياك نعبد يعني عبادت ميكنيم ترا وبس
ودر اين مقام ديگران را ضم بايد كرد كه شايد ببركت ايشان
عبادت

عبادت او نيز مقبول گردد وچون اين كلام همه
اين بود كه او مفاخره بعبادت خود ميكند وخود را
مستقل در آن ميداند بعد از آن فرمود واياك نستعين
يعني از تو استعانت ميجوييم وبس ونه از غير تو در همه
امور خصوصا در عبادت وچون آداب مقرره دعا از توسل
بجناب مقدس الهي وحمد او بر نعم غير متناهيه وذكر
او بصفات كماليه ووسيله امام الحاجة از اظهار
عبادت بعمل آورد ودعا احب عبادات است كه
خوانده اند اعظم اسباب قربت در درگاه حق تعالى
شروع بدعا نمود وچون هدايت براه دين اعظم
مطالبست نزد ارباب تحقيق ابتدا بآن نمود وفرمود

اهدنا الصراط المستقیم یعنی هدایت وراهنمائی
کن ما را براه راست یعنی راه حق زیرا که حق راه
میرود کسی که هست صوری ومعنوی ودر آن غلط افراط
وتفریط وغلو وتقصیر پیدا شد زیرا که در هر امری که
کسی غلو میکند از جانب راست از حق بدر رفته است
وکسی که تقصیر میکند از جانب چپ از حق بدر رفته است
چنانچه فرموده اند راه راست وچپ گمراه کننده است
وحق طریق وسط است مثل آنکه جمعی درباب امیر المؤمنین
صلوات الله غلو کردند وخدا را قایل شدند
یا او را بهتر از پیغمبر دانستند وگمراه شدند وبعضی
بامامت آنحضرت بلا فصل قایل نشدند وکافر

١٧ شدند وراه راست در راه وسط راه اثنا عشریست
که اعتقاد بامامت آنحضرت بعد از حضرت رسول
بلا فاصله کردند ویازده نفر از فرزندان آنحضرت را
بترتیب بعد از امام خود شناختند ومتابعت
ایشان را در گفتار وکردار بر خود واجب دانستند
وایشان همچنانکه در دنیا بر صراط مستقیم اند در
آخرت نیز بآسانی بر صراط میگذرند چنانچه در
حدیث وارد شده است که صراط دو صراطست یکی
صراط دنیاست که ولایت ومتابعت اهل بیت
رسالتست که آن دین حقست ودیگری صراط
آخرتست راه بهشت از برای مؤمنان وبر

رو بجهنم کشیده است ومؤمنان که در دنیا بر صراط
دین حق ثابت مانده اند از آن صراط عبور میکنند
بسوی بهشت ودر احادیث عامه وخاصه بطریق
مستفیضه وارد شده است که صراط المستقیم علی بن
ابیطالبست یعنی ولایت ومتابعت آنحضرت و
امامان از ذریه او یعنی ما را بایمان ثابت بدار
وبکمال مرتبه یقین برسان وچون کمال ایمان بمحبت
وولایت انبیا واوصیا ومتابعت ایشانست
درین مقام اشاره باین معنی نموده وفرموده صراط
الذین انعمت علیهم یعنی صراط مستقیم راه آنگروه هستند
که انعام کرده بر ایشان بر ایشان ومراد نعمت دنیا
نیست

علیهم یعنی نه راه آنگروهی که غضب کرده بر ایشان
کرده است ومخالفت اهل بیت رسالت کرده اند این
اشاره بقسم ثانی نموده وفرموده ولا الضالین یعنی ونه
راه آن جماعتی که بنادانی گمراه شده اند واز اکثر احادیث
چنین ظاهر میشود وبعضی گفته اند مغضوب علیهم گمراه
یهودند وضالین نصاری وبعضی گفته اند مغضوب علیهم
ایشانند که در فروع دین گمراه شده اند واما ترجمه سوره
قدر انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی که ما فرستادیم
قرآن مجید را در شب قدر که شب نوزدهم یا بیست
ویکم یا بیست سیم ماه رمضانست واحادیث بیست
وسیم بیشترست یعنی شبی که حق تعالی تقدیر امور
سال را در آن شب میکند وخلافست که نزول قرآن در

آن شب چه معنی دارد و بعضی گفته‌اند ابتدای نزول در
آن شب از لوح محفوظ به بیت المعمور نازل شد و در بیست
و سه سال آیه آیه سوره سوره بحسب مصالح نازل شد
وما ادراک ما لیلة القدر و انکجا دانستی که شب
قدر چیست و چه فضیلت دارد تا ما نگوییم لیلة القدر
خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از عبادت
هزار ماه که در آن شب قدر نباشد و در بعضی از اخبار
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در خواب دید که بنی امیه بر منبر او مانند بوزینه
بالا میروند و مردم از پس پشت بر میگشتند
از این خواب ملول گردید و جبرئیل این سوره را برای
تسلی آنحضرت آورد که شب قدر برای تو اهل بیت تو

و شیعیان ایشان بهتر [illegible] که ایشان را د[illegible]
آن شب حاصل میشود بهتر است از هزار ماه پادشاهی
بنی امیه که در آن شب قدر نیست تنزل الملائکة و
الروح فیها باذن ربهم من کل امر [illegible]
قیامت فرود میآیند فرشتگان و روح که اعظمست
از فرشتگان در آن شب و امام زمان بفرمان پروردگار
ایشان برای اعلام هر امری که مقدر شده است
برای هر کس در آن شب یا از برای هر امری از مصالح
دین و دنیای مردم سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی
باعث سلامتیست این شب از برای دوستان
خدا بر هر مومنی که در نماز یا رکوع یا سجود
یا دعا باشد تا طلوع صبح و احادیث در این باب

نسبها است واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد واما
تفسیر سوره توحید روایت کرده اند از حضرت صادق
که یهودان بخدمت حضرت رسالت آمدند وگفتند
نسبت پروردگار خود را برای ما بیان کن این سوره
نازل شد قل هو الله احد یعنی بگو ای محمد که آن
خدائی که از او سؤال کردید خداوندیست که مستحق
عبادتست وخالق جمیع ممکناتست ومستجمع جمیع
صفات کمالست وعقلها در ذات وصفات او حیرانست
واحدیست یعنی هیچگونه کثرت در ذات وصفات
او نیست ومرکب از اعضا واجزا نیست وبسیط
مطلق است واجزای خارجیه ووهمیه وعقلیه ندارد
وصف موجود زاید بر ذات ندارد در خداوندی
صفت

صفت شریکی ندارد الله الصمد یعنی خداوند معبود
بر حق صمد است یعنی همه خلق در همه امور باو محتاجند
واو محتاج بغیر خود نیست وهمه چیز باو قایمست واو
قایم بهیچ چیز نیست یا بالفعل من جمیع الجهاتست
ومحل حوادث وانفعالات نیست لم یلد کسی از او
متولد نشده است چنانچه کفار مکه میگفتند ملایکه
دختران خدایند وچنانچه ترسایان میگفتند عیسی
پسر خداست وچنانچه بعضی از یهود گفتند که عزیر
پسر خداست وکرنه بایست جسمی باشد مثل آنها واز
نوع آنها ومرکب باشد بانواع ترکیبات ومحتاج و
ممکن باشد ومحتاج بخالقی باشد که او را ایجاد کند
واز حضرت امام حسین منقولست که تتمه سوره تفسیر

صمد است یعنی از او چیز کثیفی متولد نمیشود مانند فرزند
و بول و غائط و منی و بلغم و سایر کثافات یعنی که از خلق
جدا میشود و نه چیز لطیفی مانند نفس و کلام و صوت
و آواز و از او صیحت نمیشود حوادث مانند پیری و جوانی
و خطورات بال و غم و اندوه و شادی و خنده و گریه و بیم
و امید و رغبت و ترس و ماندگی و گرسنگی و سیری
و کمی و زیادتی نه است و او را پدر و مادر
نیست و این رد است بر نصاری که عیسی را زائیده
از مریم خدا میدانند و موجود بذات خود است
و وجود او مستند بعلت و سببی نیست و حضرت
سید الشهداء فرموده که یعنی از چیزی متولد نشده است
و از چیزی بیرون نیامده است نه چنانکه اشیای کثیفه
ازعناصر

از عناصر خود بیرون می آیند مانند حیوان که از حیوان
دیگر بهم میرسد و مانند گیاه که از زمین میروید و مانند
آب که از چشمه بیرون می آید و نه مانند چیزهای لطیف
که از مرکزهای خود بیرون می آیند چون بینائی که از
چشم بیرون می آید و شنوائی که از گوش بهم میرسد
و بوئیدن که از بینی بیرون میاید و چشیدن که از
دهان بیرون میاید و دانائی و تمیز که از دل
ناشی میشود و آتش که از سنگ بیرون میاید بلکه
اوست خداوند صمد که نه از علتی و سببی بهم رسیده
و نه در چیزیست که مکانی داشته باشد مانند جسم
که محتاج بمکانست و مانند عرض که محتاج بمحل است
چون سیاهی و سفیدی و نه بر چیزیست مانند پادشاه

که بر تخت نشسته باشد و همه ممکنات را او از عدم
بوجود آورده است و بقدرت کامله خود همه را خلعت
هستی پوشانیده است ثانی میکرداند هرچه را خواهد
و زایل کرداند و باقی میدارد هرچه مصلحت در بقای
آن داند وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ یعنی احدی از ممکنات
کفو و مثل و شبیه و نظیر او نیست پس نه جسم است
که باجسام ماند و نه جوهر است که بجواهر شبیه باشد
و نه عرض است که ماند اعراض محتاج بمحل باشد
و در خداوندی عدیل و شبیهی ندارد و از حضرت
امیر المؤمنین پرسیدند از تفسیر این سوره فرمود که
خدا احد است بی انکه تعددی در ذات و صفات
او باشد و صمد است بی انکه اعضا و اجزا داشته باشد
و فرزند

و فرزندی ندارد که وارث پادشاهی او باشد زیرا که هر
فرزندی دارد جسمست و در معرض ذات و از او پادشاهی
بدیگری میرسد و از کسی متولد نشده است و اگر نه
او خداوندی سزاوارتر خواهد بود و لا اقل شریک
او خواهد بود اگر گناهان تو بیشتر شود وفا بعشری
از آنها او نمیتواند کرد و سنت است که چون
ازین سوره فارغ شود خواه در نماز و خواه در غیر
نماز سه مرتبه بگوید کذلک الله ربی چنین است
خداوندی که پروردکار منست و بهترین سورهها
که در نماز خوانده شود اینه و سوره است و در
حدیث وارد شده است که عجب دارم از کسی که
اینه و سوره را در نماز نخواند چگونه نماز او

مقبول میشود و در بعضی از روایات وارد شده است
که در دو رکعت اول سوره انا انزلناه بخوانند که سوره
حضرت رسول و اهل بیت او علیهم السلام است
و ایشان را شفیع کرداند در درگاه خدا و با ایشان
متوسل شود و در رکعت دویم سوره توحید را
بخواند که بعد از آن دعا مستجابست و در روایات
دیگر دلالت بر عکس آن میکند و هر دو خوبست
و فضیلت این دو سوره بسیار است اما سنتست
که در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه سوره هل اتی
بخوانند و در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره
جمعه در رکعت اول و سوره سبح اسم ربک الاعلی
در رکعت دویم بخواند و اگر در رکعت دویم سوره

قل هو الله

قل هو الله احد بخواند خوبست و در نماز صبح روز
جمعه سوره جمعه در اول قل هو الله احد در اخر بخواند
و در نماز جمعه و ظهر و عصر روز جمعه سوره جمعه و
و در نماز جمعه
منافقان بخواند و در نماز خفتن شب جمعه سوره
سبح اسم ربک و قل هو الله احد بخواند پس چون سوره
تمام شود اندکی مکث کند پس دستها را برابر رو بگوید
الله اکبر از جهت رفتن برکوع و واجبست که بمقدار
خم شود که دستش بزانو برسد و مرد را سنتست که ران
مقابله خم شود که پشتش مساوی شود و زانوها را
برپشت بکند و پاهای او کشاده باشد و زنان را
سنتست که بسیار خم نشوند که دست ایشان بزانوها
تواند رسید و دستها بر زانوها نگذارند بلکه بر بالا

زانوها سر وا نکذارند ودستها را بجود بچسبانند وهر
ذکری کا نیست ومختار انست که سه مرتبه بکوید سبحان
ربی العظیم وبحمده یعنی پاك وپاکیزه ومقدس
ومنزه میشناسم پروردکار بزرك خودرا از هرچه
لایق بعظمت وجلال او نباشد وکبریا وجبروت
اورا نشاید وحال انکه شکر وستایش میکنم اورا بر
انکه مرا توفیق تنزیه خود داده است ویکمرتبه نیز
کافیست ومخیر بود وهفت مرتبه بهتر است پس سر بر
دارد وراست شود بعد ازان بکوید سمع الله لمن
حمده الحمد لله رب العالمین یعنی حق تعالی شنید
واجابت نمود وجزای خیر داد هرکس را که ستایش
اوکرد وهمه ثناها وستایشها برای خداوند است

سربر

کمر پروردکار عالمیانست وبکفتن سمع الله لمن حمده
مستحب بعد ما آید پس الله اکبر بکوید بر حالت
دست بر داشتن وچون تمام کند برود بسجده ومرد
دستها را پیش از زانو بر زمین کذارد وزنرا سنتست
که زانو را پیش از دستها بر زمین کذارد یا بر چیزی که
از زمین روئیده باشد که نخورند ونپوشند وسنتست
که بر خاك کربلا باشد وباید هردو دستها وزانوها را
وسر انکشتان مهین پاها را بر زمین رساند و دور
او بر هم باشد وسنتست که بینی را بر خاك کذارد ومرد را
سنتست که در سجود بال کشاده باشد واعضای او از یکدیکر
جدا باشد وزنرا سنتست که اعضای خودرا بیکدیکر بچسباند
ودستها را تا ذراع بر زمین بخواباند وچون درست

قرار گیرد ذکر کند و بعد از آن که سه مرتبه سبحان ربی
الاعلی وبحمده یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه بگوید و یکی کافیست
و تنزیه اش آنست که منزه و مقدس میدانم پروردگار
خود را از همه چیز بلند تر است بحسب مرتبه از همه
بلندی و رفعت او را نسزد و حال آنکه مشغولم بستایش
و ثنای او بر آنکه توفیق بخشیده است مرا که تنزیه او را
بجا آورم پس سر بردارد و راست بنشیند و پشت پای
راست را بر شکم پای چپ گذارد پس دست بردارد
والله اکبر بگوید و بگوید استغفر الله ربی و اتوب
الیه یعنی طلب آمرزش میکنم از پروردگار خود و باز
میگردم بسوی او پس بگوید الله اکبر بگوید و دست
بردارد پس بسجده دویم رود مثل اول و چون درست
بنشیند

بنشیند الله اکبر بگوید و چون خواهد که برخیزد اول
۲۸ زانوها را بردارد و بگوید دیگر دستها را و در وقت
برخاستن بگوید بحول الله و تعالی و قوته و اقوم
و اقعد و در بعضی روایات و ارکع و اسجد وارد است
یعنی بیاری خداوند عالم که بلند تر است از آنکه عقلی
باو برسد و بقدرت و توانائی او برمیخیزم و مینشینم
و زنان را است که اول دستها را بردارند و بعد از آن
زانوها و خود را [illegible] و برخیزند چه آنکه عقب ایشان
بلند شود و چون راست بایستند سوره حمد را بخوانند
وجوبا و سوره دیگر بخواند قربة الی الله و بهتر آنست
که قل هو الله احد بخواند پس الله اکبر بگوید از
جهت قنوت در حالت دست برداشتن پس دستها را

برابر دو بردارد وشکم دست بجانب آسمان باشد
وقنوت نخواند احتیاطاً بقصد قربت وبهتر آنست
که کلمات فرج را بخواند لا اله الا الله الحلیم الکریم
یعنی معبودی بجز خداوند یکتا جامع جمیع صفات کمال که
بردبار و بخشنده است لا اله الا الله العلی العظیم
نیست معبودی بجز معبود بحق سزاوار پرستش
وبلند مرتبه وبزرگوار است سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن
وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین
یعنی پاک ومقدس است خداوندی که پروردگار آسمانهای
هفتگانه وزمینهای هفتگانه است وپروردگار
آنچه در این آسمانها وزمینهاست وآنچه در میان اینهاست
وپروردگار

وپروردگار عرش عظیم است یعنی تختی که حق تعالی در
بالای آسمانها وکرسی وحجب وسرادقات خلق
کرده است واز همه اجسام بزرگتر است ودر بعضی اخبار
تفسیر عرش بعلم حق تعالی شده است وهمه ثناها
وافرینشها مر خدا راست که پروردگار جهانیانست
واینها را کلمات فرج میگویند وبهترین دعاهاست
ودر همه قنوتهای نمازها مستحبست خصوصاً در قنوت
نماز جمعه ونماز وتر وتلقین میت در وقت جان
کندن از برای آسانی قبض روح نیز بهتر است
که بعد از این بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد که بهترین
دعاهاست ودعا بدون صلوات برایشان مستجاب
نمیشود یعنی خداوندا رحمت ودرود وثنا وتحیت

فرستد بر محمّد و آل محمّد که حضرت علی و فاطمه و یازده
امام از فرزندان ایشانند پس بگوید اللّهمّ اغفر
لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدّنیا
والآخرة انّک علی کلّ شیءٍ قدیر یعنی خداوندا بیامرز
گناهان ما را و رحم کن بر ما و عافیت ده ما را از دردها
و بیماریها و فتنهها و بلاها و عفو کن از خطاهای
ما در سرای دنیا و در سرای آخرت بدرستیکه تو بر همه
چیز قادر و توانائی و هرچند دعا بیشتر بخوانند در قنوت
بهتر است و در حدیث وارد شده که هر که قنوت او طولانی
تر است راحت او در آخرت بیشتر است امّا بدعای
اوّل و دعای آخر و صلوات تنها و اقلّ دعا اکتفا
میتوان کرد و ذکر چهار مرتبه سبحان الله باشد پس الله اکبر

بگوید

بگوید و برکوع رود مثل رکعت اوّل و چون سر از سجده
دویم بردارد بر ران چپ بنشیند و هر دو پا را
از جانب راست بیرون آورد و پشت پای راست را
بر شکم پای چپ گذارد و دستها را بر رانها بگذارد و
انگشتان را بیکدیگر بچسباند و نظر بدامن خود کند
و تشهّد بخواند و زنها در تشهّد و غیر آن در نماز سخت است
که رانها را بیکدیگر بچسبانند و زانوها را از زمین بر
دارند و بر الیتین خود بنشینند بر وضعی که سر پا نشینند
و اگر زانوها را از زمین بر ندارند و کج بنشینند که اعضا
و رانها بهم چسبیده باشد و در تشهّد شهادتان
واجبست با صلوات بر محمّد و آل محمّد بنا بر مشهور
و اولی آنست که صلوات را بقصد قربت بجای آورد

وباقی دنیا و بیتها را نقص سنت باین نحو که بسم الله
وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته
فی امته وارفع درجته وقرّب وسیلته یعنی یارب
میجویم بنام بزرگ خدائی که سزاوار پرستیدن نیست
دبجز خدای یگانه و همه ثناها مخصوص خداست و همه
نامها مخصوص خداست اشهد یعنی گواهی میدهم
باینکه نیست معبودی بغیر خدای که مستجمع جمیع کمالات
و مستحق عبادتست در حالتی که یکتا و منفرد است
بوحدانیت و او را شریکی و انبازی نیست در استحقاق
عبادت و گواهی میدهم باینکه محمد بنده او و پیغمبر

وفرستا

وفرستاده اوست و پیغمبر آنست که بعد از و رسوله
بگوید ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة
اشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول وان
الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی
القبور والحمد لله هدانا لهذا وما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله یعنی فرستاده است او را براستی
و درستی بیشک و شبهه در حالتی که بشارت دهنده است
برحمت و تفضل خدا کسی را که بدین حق اقرار کند
وترساننده است از عقوبت و عدل خدا کسی را که از
دین حق سر برود یا اصرار بر کبایر کند و در پیش
روی قیامت مبعوث گردیده است یعنی نزدیک
بقیامتست و پیغمبر دیگر بعد از و نیست گواهی میدهم

که پروردگار من نیکو پرور و پروردگار ربیت و اینکه محمد نیکو
رسولیست و دیگر آنکه قیامت آینده است و شک
و شبهه در آن نیست و دیگر آنکه خدا برمیانگیزد و
زنده میگرداند آنهایرا که در قبرها مدفونند ثنا
و ستایش مر خدایرا که بفضل خود راه نمود ما را
باین اعتقادات و نبودیم ما که بقوت خود توانیم یافت
اینها را اگر نه خدا ما را اراده مینمود اللهم صل
یعنی خداوندا درود و رحمت بر محمد و آل محمد که فرستاد یعنی
تعظیم کن او را در دنیا باعلای دین او و اظهار دعوت
او و اعظام ذکر او و ابقای شریعت او و در آخرت
بقبول شفاعت او در حق امت او و مضاعف گرداند
ثواب او و ظاهر گردانیدن فضیلت او بر اولین

و آخرین و تقدیم او بر کافه انبیا و مرسلین صلوات الله
علیهم اجمعین و مذکور شد که مراد بآل آنحضرت
دوازده امام معصومند و حضرت فاطمه صلوات الله
علیهم و تقبل الخ یعنی بقبول کن شفاعت آنحضرت را
از برای امت او و بلند کردن درجه او را در بهشت
پس سنتست که بعد از این یکمرتبه یا دو مرتبه یا سه مرتبه
بگوید الحمد لله رب العالمین پس اگر نماز دو رکعتی باشد
یا چهار رکعتی باشد برخیزد و میگوید بحول الله
تعالی و قوته اقوم و اقعد و همچنین میگوید این را
در برخاستن برکعت چهارم و مخیر است در دو رکعت
آخر میان حمد و تسبیح و اگر گوید میگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و احوط

آنست که استغفر الله را ضم کند بقصد قربت و اگر سه
مرتبه بگوید یا استغفر الله اکملست و اگر سه مرتبه
تسبیحات اربع الله اکبر بگوید بجز بیت و اگر الله اکبر
در آخر الحالق کند کرده تسبیح شود احتیاط ست
اما مخصوص روایتی ندارد وظاهرا هم خوب ست
و اگر امام نماز جماعت باشد حمد بهتر است و اگر
منفرد باشد تسبیح افضل است و بعد از تشهد
آخر نماز باید سلام بگوید بقصد قربت و بهتر
آنست که چنین بگوید السلام علیک ایها
النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین السلام علیکم و رحمة الله
و برکاته و سلام اول داخل تشهد است و سنت
و دو سلام

و دو سلام آخر هر یکرا که بیشتر بگوید از نماز بیرون
میاید یعنی سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا
و برکتهای او و سلام بر ما باد و بر بندهای شایسته
خدا سلام بر شما باد و رحمت خدا و برکتهای او یعنی
زیادتی خیرات او و باید در بندگان شایسته انبیا
و ائمه علیهم السلام را قصد کند و در سلام آخر دو ملک
که با او نید با سایر ملائکه و مؤمنان و مؤمنات را
قصد کند و اگر پیشنماز باشد ماموما نرا داخل کند
و اگر ماموم باشد پیشنمازان و سایر ماموما نرا
نیز قصد کند و احوط آنست که مرد قرائت نماز
صبح و دو رکعت شام و دو رکعت نماز خفتن را
بلند بخواند بنحوی که جوهر صوت ظاهر شود

ونما هفیرا اهسته که شخصی که نزد او باشد بشنود
وخود نشنود یا جهر صوت ظاهر نشود و زنان نماز
بلند خواندن واجب نیست و در همه نمازها آهسته
خواندن بهتر است و ظاهرا بلند میتوانند خواند اگر
نامحرم صدای ایشانرا نشنود و اگر بشنود آهسته
بخوانند و میباید سعی نماید در دو چیز یکی اخلاص
که در نماز و سایر عبادات بقصد اطاعت الهی واقع
سازند نه بقصد ریا دویم انکه قرائترا درست
کند و حروفرا از مخارج ادا نماید و وقف در موضع
وصل در موضع وقف نکند و اگر اینها بعمل نیاید
مشهور میان علما آنست که نمازش باطلست
و باید دانست که تعقیب نماز یعنی ذکر خدا و قرآن

ودعا

ودعا بعد از نماز خواندن مقیم و متمم نماز است
و موجب حصول مطالب دنیا و آخرتست و احادیث
در فضیلت آن بسیار است و بهتر آنست که در
وقت تعقیب با وضو باشد و رو بقبله نشسته
باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب حضور و صفا
در نماز تمام و ظاهر اینها جزو کمال تعقیبست
و هر حالی که بعد از نماز مشغول دعا و قرآن
و ذکر باشد ثواب تعقیب فی الجمله دارد اگر
چه در راه رفتن یا سواری باشد و اما تعقیب
هر نماز سنتست که سه مرتبه الله اکبر بگوید و در
هر مرتبه دستها تا محاذی گوش بلند کند پس
بگوید لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده

ونصر عبده واعز جنده وغلب الاحزاب
وحده فله الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على
كل شيء قدير پس بگويد اللهم انت السلام
ومنك السلام ولك السلام واليك السلام
يعود السلام سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين السلام عليك ايها النبي
ورحمة الله وبركاته السلام على الائمة
الهادين المهديين السلام على انبياء الله
ورسله وملائكته السلام علينا وعلى عباد الله
الصالحين السلام على علي امير المؤمنين السلام
على الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة

اجمعين

اجمعين السلام على علي بن الحسين زين العابدين
السلام على محمد بن علي باقر علم النبيين السلام
على جعفر بن محمد الصادق السلام على موسى ابن
جعفر الكاظم السلام على علي بن موسى الرضا
السلام على محمد بن علي الجواد السلام على علي
ابن محمد الهادي السلام على الحسن ابن علي
الزكي العسكري السلام على الحجة ابن الحسن
القائم المهدي صلوات الله عليهم اجمعين
پس تسبيح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله
عليها را بخواند که آن بهترين تعقيبها ست حتى
آنکه منقولست که تسبيح آنحضرت را بعد از هر نماز
خواندن بهترست از آنکه بعد از هر نماز

هر روز هزار رکعت نماز بکند و کیفیت آن آنست
که اول سی چهار مرتبه الله اکبر پس سی و سه مرتبه
الحمد لله پس سی و سه مرتبه سبحان الله بگوید و سنت است
که بعد از آن یکمرتبه لا اله الا الله نیز بگوید و این
تسبیح را در وقت خواب خواندن نیز ثواب بسیار
دارد و هم آنست که بترتیب حضرت امام حسین
حساب [illegible] بین سه مرتبه بگوید استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال
والاکرام واتوب الیه پس بگوید اعوذ بوجهک
الکریم وعزتک التی لا ترام وقدرتک التی
لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا والآخرة ومن
شر الاوجاع کلها وایضا بگوید اللهم انی

اسألك

اسألك من كل خير احاط به علمك واعوذ بك
من كل شر احاط به علمك اللهم انی اسألك عافيتك
فی اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب
الآخرة پس بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد واجرنی
من النار وارزقنی الجنة وزوجنی من الحور العین
وایضا سنت است که سوره حمد بخوانند و سوره قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و این آیات را
بخوانند خصوصا آیة الکرسی الله لا اله الا هو الحی
القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات
وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم
ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من
علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض

ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكراه
في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى
لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولي الذين
امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا
اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النار الى
الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
بين بكوبه شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف
الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم
بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله فان الله سريع

الحساب بين بكوبه قل اللهم مالك الملك تؤتي
الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على
كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار
في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب بين بكوبه اللهم
اهدني من عندك وافض علي من فضلك وانشر
علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك بين
بكوبه اللهم اغنني بحلالك عن حرامك وبطاعتك
عن معصيتك وبفضلك عمن سواك بين بكوبه
رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا وبالاسلام دينا
وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبعلي وليا

وَاِمامًا بِالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وعَلِيِّ بنِ الحُسَيْنِ ومُحَمَّدِ بنِ
عَلِيٍّ وجَعْفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ ومُوسَى بنِ جَعْفَرٍ وعَلِيِّ بنِ
مُوسَى الرِّضا ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ وعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ والحَسَنِ بنِ
عَلِيٍّ والحُجَّةِ ابنِ الحَسَنِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِم اَئِمَّةَ اللّهُمَّ
اِنِّي رَضِيتُ بِهِم اَئِمَّةً فَارْضَنِي لَهُم اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ پس بگويد اللّهُمَّ العَنْ اَبابَكرٍ وعُمَرَ وعُثمانَ
ومُعاوِيَةَ وعائِشَةَ وحَفْصَةَ وهِنْدًا واُمَّ الحَكَمِ
اللّهُمَّ العَنْ بَنِي اُمَيَّةَ وجَمِيعَ اَعْداءِ آلِ مُحَمَّدٍ پس
ده مرتبه بخواند اين دعا را حضوصًا بر صبح و شام
لا اِلَهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ اِلهًا واحِدًا اَحَدًا
صَمَدًا لَم يَتَّخِذْ صاحِبَةً ولا وَلَدًا پس بگويد اَسْتَوْدِعُ اللهَ
العَظِيمَ الجَلِيلَ نَفْسِي واَهْلِي ومالِي ووَلَدِي ومَن

يعنيني

يَعْنِينِي اَمْرُهُ پس بگويد تَوَكَّلْتُ عَلَى الحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ
والحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَم يَتَّخِذْ صاحِبَةً ولا وَلَدًا ولَم يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِي المُلْكِ ولَم يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
پس حضرت رسول صلى الله عليه وآله را زيارت كند
باين نحو السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ ورَحْمَةُ اللهِ
وبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ السَّلامُ يا حَبِيبَ اللهِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا اَمِينَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ و
اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللهِ واَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ
نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ
وعَبَدْتَهُ حَتَّى اَتاكَ اليَقِينُ فَجَزاكَ اللهُ يا رَسُولَ اللهِ
اَفْضَلَ ما جَزَى نَبِيًّا عَن اُمَّتِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وآلِ محمّدٍ افضلَ ما صلّیتَ علی ابراهیم وآلِ ابراهیم
انّک حمیدٌ مجیدٌ وچون از تعقیب نماز فارغ شود
وخواهد بسجده رود بگوید سبحان ربّک ربّ العزّة
عمّا یصفون وسلامٌ علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین
امّا تعقیب مخصوص ببعضی از نمازها بعد از نماز پیشین
سنّتست که بدست راست ریش خود را بگیرد ودست
چپ را بسوی آسمان بلند کند وبگوید یا ربّ محمّدٍ
وآلِ محمّدٍ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واعتق رقبتی من
النّار وایضاً بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ و
عجّل فرجهم وبعد از نماز پیشین سنّتست که هفتاد
مرتبه بگوید استغفر الله ربّی واتوب الیه وسنّتست
که ده مرتبه سورهٔ انّا انزلناه بخواند وبعد از نماز شام

ونماز

۳۷

ونماز صبح هفتاد مرتبه بگوید لا حول ولا قوّة الّا بالله
العلیّ العظیم وصد مرتبه بهتر است وهفت نیز اکتفا
میتوان کرد تا هفتاد نوع بلا از او دور گردد وایضاً
سنّت مؤکّدست که بعد از این دو نماز ده مرتبه بگوید لا
اله الّا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت ویحیی وهو حیٌّ لا یموت بیده الخیر انّک
علی کلّ شیءٍ قدیر واگر پیش از برآمدن آفتاب وپیش از
فرو رفتن آفتاب بخواند نیز خوبست وبعد از نماز شام
سه مرتبه بگوید الحمد لله الّذی ما یشاء ولا یفعل
ما یشاء غیره وبعد از نماز خفتن سنّتست هفت
مرتبه انّا انزلناه بخواند وسنّتست در هر صبح وشام
صد وشصت مرتبه بگوید الحمد لله ربّ العالمین

کثیرا علی کل حال وایضا سنت مؤکد است که نزدیک
بطلوع آفتاب ونزدیک بغروب آفتاب ده مرتبه
بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین
واعوذ بالله رب ان یحضرون ان الله هو السمیع
العلیم وبدانکه بعد از فارغ شدن بعد از تعقیب تعداد
هر نماز سجده شکر سنت وموکد است ودر این سجده
برخلاف سجدهای دیگر سنت است که دستها را بر زمین
بخواباند وسینه وشکم را بر زمین برساند وهرچند این سجده
بیشتر طول دهد بهتر است واقلش آنست که پیشانی را
بر زمین گذارد ودعائی بخواند پس پهلوی راست
رو را بر زمین گذارد وذکری بکند اگرچه الحمد لله
یا سبحان الله یا یا الله اگر بلغت فارسی یا لغت دیگر
دعا

دعا کند وحاجتهای خود را بطلبد خوبست وبهتر آنست
که اول پیشانی را بگذارد وصد مرتبه العفو العفو بگوید
پس جانب راست رو را بر زمین بگذارد وسه مرتبه بگوید یا الله
یا رباه یا سیداه پس جانب چپ را بر زمین بگذارد وهمین
دعا را سه مرتبه بگوید پس باز پیشانی را بگذارد وصد مرتبه
شکرا شکرا بگوید وبسه مرتبه نیز اکتفا میشود واگر
شکرا لله بگوید بهتر است پس بگوید اسئلک الراحة
عند الموت والعفو عند الحساب پس بگوید سجد
وجهی اللئیم لوجه ربی الکریم پس حاجتهای دنیا
وآخرت خود را بهر زبان که داند از خدا بطلبد واگر
درگذاشتن یکطرف رو ده مرتبه یا الله ودر طرف
دیگر ده مرتبه یا رب بگوید خوبست واگر یا الله یا رباه

در بین سجدها بسیار بگوید حاجتش بر آورده میشود پس
سر بردارد و سه مرتبه دست راست را بر مهر یا موضع سجده
بمالد و بجانب چپ رو بکشد تا پیشانی و از پیشانی بجانب
راست رو بمالد و از آنجا بسایر بدن بکشد و اگر در هر سه
آید دعا بخواند بهتر است بسم الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من
الهم والحزن والسقم والعدم والصغار والذلة والفواحش
ما ظهر منها وما بطن و چون از جای نماز برخیزد سست[?]
که بجانب راست حرکت کند این مختصریست از دعاها
و اذکاری که در اینجا ذکر کردم و سایر ادعیه و آداب در کتاب
مقباس بیان کرده ام و هر وقتی که آدمی بباغی یا بصحرا ب[?]
رود و مکر[?] اطراف آسمان نمایان باشد نظر بجانب راست
وبجا

و بجانب چپ و بالای سر خود کند پس با انگشت شهادت
اشاره کند بجانب قبر مقدس حضرت امام حسین و بگوید
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن
رسول الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته
ثواب زیارت آنحضرت را می یابد و از جانب راست قبله
اندکی که میگردد جانب قبر آنحضرت است و هر وقتی که از
منزلی حرکت کنند بگویند آمنت بالله توکلت علی الله
ما شاء الله لا قوة الا بالله و چون پا بر رکاب گذارند
بگویند بسم الله الرحمن الرحیم و چون سوار شوند آیة الکرسی
بخوانند پس بگوید الحمد لله سبحان الذی سخر لنا هذا
وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله
رب العالمین تا از بلاها بفضل خدا محفوظ باشد پس

حاجتهای دنیا و آخرت خود را از خدا بطلبد که البته
بر آورده میشود خاتمه در بیان سایر احکام زنانست
که مخصوص ایشانست اول ستر عورت کردن را واجبست
که دو عورت پیش و پس را بپوشند و زنان را واجبست که موی
سر و تمام بدن و موها را بپوشانند بغیر از دو کف
دست از بند دست خواه روی دست و خواه پشت دست
و بغیر از قدمهای پا خواه پشت پا و خواه شکم پا و اگر
بر پاها چیزی بکند که شکم پاها نمایان نبود احوط است
و مستحبست زنان را پوشیدن سه جامه در نماز پیراهن
و جامه که بر پای آن بپوشند و روپاک و چادر است
کنیز و صبیه غیر بالغه را سر برهنه نماز کردن دوم
در پوشیدن جامه حریر و طلا که مردان را جایز نیست
و زنان

وزنان را جایز است سیم مردان را در مسجدها نماز کردن
سنتست و زنان را در خانه نماز کردن سنتست و هر چند
مستور تر باشد بهتر است چه نماز ایشان در صندوقخانه
و خانه بهتر است از خانه پیش و در خانه پیش بهتر است
از صحن خانه و در صحن خانه بهتر است از بام خانه
چهارم مردان را سنتست که در نماز انها پاهای خود را
بقدر یک وجب دور از یکدیگر بگذارند و زنان را
سنتست که پاها را نزدیک بیکدیگر بگذارند پنجم
مردان را سنتست که دستها را در ایستادن بیاویزند
و بر رانها بگذارند برابر زانوها و زنان را سنتست
که بر پستانهای خود بگذارند جدا از یکدیگر ششم
زنان را جماعت کردن از نقصیر تاکید ندارد که مردان را

دارد و پیشنمازی زنان مردان را جایز نیست هرچند با
کنا محرم باشد اما پیشنمازی زن زنان را هرگاه متصف
بصفات پیشنمازی باشد محل خلافست و اظهر کراهت
و احوط ترکست و مرد پیشنمازی زنان میتواند کرد
هرچند میان پیشنماز و ایشان حایلی باشد که او را و
ماموهان او را نه بینند هرگاه بر احوال نماز او مطلع
باشند نباید مرد و زن اجنبیه که محرم نباشند
در خانه خلوت که دیگری نباشد نماز نکنند احتیاطا
واگر مردی و زنی باهم در یک خانه نماز کنند که مابین
ایشان مانند دیوار یا پرده نبوده باشد احوط آنست
که زن عقب بایستد و مرد پیش بایستد آنقدر که در حال
صلوة موضع سجود زن محاذی جزوی از مرد نشود حتی در سجود
مکر

مگر اگر ده ذراع فاصله در میان جای ایستادن زن
بوده باشد این مجملیست از احکام مختلفه مردان و زنان
و احکام دیگر هست که در کتب مبسوطه مذکور است
والحمد لله اولا و آخرا و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
والحمد لله رب العالمین
تمام شد کتاب ترجمة الصلوة بعون توفیق ملک الدین ابو البرکات
در قلعه [illegible] علی یا العبد المحتاج الی رحمة ربه الغنی تراب اقدام
شیعه جناب علی بن ابی طالب کمترین [illegible] ابن مرحمت [illegible]
محمد [illegible] علی [illegible] از خوانندگان [illegible]
سنه ۱۲۲۸

محمد و آله الطاهرین [illegible] احقر عباد الله الغنی محمد باقر

بن محمد تقی غفر الله ذنوبهما که این رساله ایست در بیان آنچه از احادیث

معتبره اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین معلوم می‌شود از اعتقاد

و نحوست ایام هفته و آنچه بجهة ارتکاب شغلی و اعمال بر وجه اختصاص هر روز

مرقوم گردد تا آنکه جمعی از خاص شیعیان در جمیع امور متابعت پیشوایان دین سو

لنوحه

یا علی

جانب

الکرام

عباس